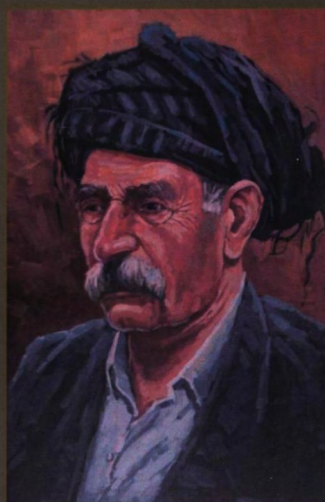


گُردها و خاستگاه آنها

روش‌شناسی مطالعات گُردی



گارنیک آساطوریان

ترجمه
صنعان صدیقی

مركز ترمينولوجيا



انتشارات فرهامی
مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان

سرشناسه	آساطوریان. گارنیک. ۱۹۵۲ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Asatryan, Garnik
مشخصات نشر	کردها و خاستگاه آنها/نویسنده گارنیک آساطوریان، مترجم صمنان صدیقی، ویراستار بهمان متین. تهران: فرهنگ. ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۳۵ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۲-۲۶۰۰-۳۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فبا
پادداشت	کتاب حاضر ترجمه مفصلی با عنوان "Prolegomena to the study of the Kurds", <i>Iran and the Caucasus</i> تألیف گارنیک آساطوریان است.
پادداشت	کتابنامه
پادداشت	نماینه
موضوع	کردان
موضوع	Kurds
موضوع	کردان -- ارمنستان
موضوع	Kurds -- Armenia (Republic)
موضوع	کردان -- ایران
موضوع	Kurds -- Iran
شناسه افزوده	صدیقی، صمنان. ۱۳۶۵ -- مترجم
شناسه افزوده	Sadighi, Sanan
شناسه افزوده	متین. بهمان. ۱۳۴۶ -- ویراستار
رده بندی کنگره	DS۵۹۲۷۱۳۹۷ / ۴۴To
رده بندی دیویی	۹۵۶/.۰۰۴۹۱۵۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۴-۹۹۸۵

کردها و خاستگاه آنها
روش‌شناسی مطالعات کردی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Asatrian, Garnik S (2009) "Prolegomena to the Study of the Kurds", *Iran and the Caucasus* 13:1-58, Leiden: Brill.



www.farhameh.ir
farhameh@gmail.com
۸۸۴۳۶۲۹۰۹۱۰۴۵۱۷۳۶۱

کردها و خاستگاه آنها
روش‌شناسی مطالعات کردی

© حق چاپ: اول، ۱۳۹۷، فرهامه

نویسنده: پروفیسور گارنیک آساطوریان

مترجم: صناعان صدیقی

ویراستار: دکتر پیمان متین

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

شمارگان: ۳۰۰ مجلد

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و بی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

گُردها و خاستگاه آنها روش‌شناسی مطالعات کُردی

پروفسور گارنیک آساطوریان

ترجمه‌ی صنعان صدیقی
ویراستار: دکتر پیمان متین



به یاد و خاطره‌ی فریدریک توردارسن^۱ و کارن یوزباشیان^۲

1 Fridrik Thordarson

2 Karen Yuzbashian

از مارتین شوارتس^۳، دونالد استیلو^۴، و اُوو بلزینگ^۵
به خاطر نظرات بالارزششان در رابطه با این اثر
تشکر می‌کنم.

3 Martin Schwartz

4 Donald Stilo

5 Uwe Bläsing

فهرست

پیش‌گفتار مؤلف بر ترجمه‌ی فارسی	۱۱
مقدمه : نکاتی چند در روش‌شناسی	۲۵
۱: زبان	۴۳
۲: ادبیات	۵۳
۳: مذهب	۵۹
۴: کردستان — سرزمینی خیالی؟	۶۳
۵: نام‌های قومی کردها	۷۱
۶: خاستگاه نژادی کردها	۸۵
۷: مهاجرت به شمال و ظهور یک واقعیت جدید جمعیتی — قومی در منطقه	۹۵
۸: داده‌های زبانی به مثابه‌ی شواهد تاریخی	۱۰۱
سخن پایانی	۱۱۹
کتاب‌شناسی	۱۲۱

پیش‌گفتار مؤلف بر ترجمه فارسی

کتاب پیش‌رو ترجمه‌ای است از مقاله‌ی مفصل نگارنده که به زبان انگلیسی و تحت عنوان *Prolegomena to the study of the Kurds* تقریباً ده سال پیش (سال ۲۰۰۹) در مجله‌ی *ایران و قفقاز (Caucasus Iran and the)* به چاپ رسیده است. در گزینش نام فارسی این اثر، هم نگارنده و هم ناشر به دشواری برخوردیم زیرا کلمه‌ی *Prolegomena* در فارسی معادل جافتاده‌ای ندارد و گذشته از آن، ترجمه‌ی تحت‌اللفظی در اکثر موارد قابل قبول نیست. عناوینی مانند «مبانی کردشناسی»، «اصول کردشناسی»، «تأملی بر مطالعات کردی» یا «روش‌شناسی مطالعات کردی» هم همه‌ی جوانب نام انگلیسی را نمی‌رسانند، زیرا این اثر درعین حال که مبانی کردشناسی را بررسی می‌کند و به اصول کلیدی این رشته‌ی علمی می‌پردازد، قسمت عمده‌ی آن به بحث درباره‌ی روش‌شناسی اختصاص داده شده است. بنابراین، باید عنوانی را برمی‌گزیدیم که اکثر این موارد را در برگیرد. سرانجام «کردها و خاستگاه آنها» را ترجیح دادیم، البته با عنوان فرعی «روش‌شناسی مطالعات کردی» که به نظر من به خوبی منعکس‌کننده‌ی محتوای این نوشتار است. این نام هم خاستگاه نژادی را می‌رساند و هم گستره‌ی جغرافیایی‌ای را که نطفه‌های اولیه‌ی گویش کردی و گویشوران آن به مثابه‌ی گروهی مستقل شکل گرفته است.

پیش از آنکه به مسائل مهمی که در این کتاب مطرح شده‌اند بپردازم، می‌خواهم برای روشن شدن هرچه بیشتر موضوع نکاتی چند را خاطرنشان سازم. در ده سالی که از نگارش این اثر گذشته هم نگاه من به برخی مقولات گسترده‌تر شده و هم در رشته‌های ذی ربط علوم تحولاتی رخ داده است که در کتاب حاضر منعکس نشده است، و من فعلاً لزومی ندیدم که نتایج این تحقیقات را به متن فارسی اضافه کنم.^۱ نخست به سبب اینکه دستاورد پژوهش‌های مذکور موجب نقض نتایج این کتاب نمی‌شود و دیگر آنکه اضافه کردن بسیاری از موضوعات نیز ممکن بود قدری حجم مطلب را سنگین کند و برای خواننده ملال‌آور شود. کسانی که مایل به آگاهی بیشتر در این زمینه هستند می‌توانند با مراجعه به کتاب‌شناسی این اثر به منابع و مآخذ مورد نیاز خود دست یابند.

نکته‌ی دیگر آنکه در تألیف این اثر ما بنا را بر ایجاز و اختصار گذاشته‌ایم، زیرا اصل انگلیسی آن هرچند مفصل، اما در چهارچوب یک مقاله تدوین شده است و بنابراین، برای نگارنده بسط و تفصیل بسیاری از مطالب امکان‌پذیر نبوده است. خواننده‌ی نکته‌یاب خود درخواهد یافت که در بیشتر موارد سعی ما بر آن بوده است که حداکثر مطالب را در قالب کمترین واژگان و کوتاه‌ترین جملات به خواننده منتقل کنیم. اغراق نیست اگر بگویم که این اثر درواقع خلاصه‌ی یک کتاب چندجلدی قطور است. البته این حد از ایجاز شاید در نظر برخی از خوانندگان مخل تلقی می‌شود، ولی همان‌طور که گفتم گزینه‌ی دیگری نداشته‌ام. نکته‌ی دیگری که باید متذکر شوم مربوط به ترجمه‌ی فارسی این اثر است. اصولاً ترجمه از زبان‌های غربی به فارسی در رشته‌های

۱. مثلاً درباره‌ی یزیدیان کتابی از نگارنده با همکاری خانم دکتر ویکتوریا آراکلو تحت عنوان *The Religion of the Peacock Angel: The Yezidies and their Spirit World* در سال ۲۰۱۴ در لندن چاپ شد که اخیراً توسط انتشارات فرهامه ترجمه‌ی فارسی آن نیز تحت عنوان: *دین ملک طاووس: یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها* منتشر شده است. علاقه‌مندان به آشنایی عمیق‌تر و بنیادین با قوم یزیدی می‌توانند برای آگاهی بیشتر به این کتاب مراجعه کنند.

علوم انسانی و پیش از همه زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخ باستان دشواری‌هایی دارد که وابسته به ویژگی‌های زبان فارسی است - معادل‌سازی جمله‌ها و عبارات، ناهمگونی قالب‌های فکری، طرز بیان مفاهیم، فقدان اصطلاحات مربوطه و غیره - و این همه به سبب تعلق کتابت فارسی به سنت نوشتاری عربی-اسلامی است، درحالی‌که ادبیات علمی زبان‌های غربی بر پایه‌ی سنن ادبی کلاسیک (یونان قدیم و روم) و همچنین نوشتارهای غنی فرهنگ‌های متأخر مسیحی شکل گرفته و متبلور شده‌اند. بنابراین، به‌رغم تلاش بسیار مترجم محترم، متن فارسی این اثر برای یک فارسی‌زبان ممکن است در مواردی مصنوعی و حتی بیگانه بنماید که بسیار طبیعی است، و این واقعیت تقریباً برای همه‌ی ترجمه‌های مربوط به این حوزه‌ی علمی مصداق دارد.

روش‌شناسی، یعنی متدولوژی، اساس پژوهش در هر رشته‌ی علمی را تشکیل می‌دهد؛ بدون درنظرگرفتن قوانین متدولوژی نمی‌توان به پژوهش - چه در علوم پایه و چه در علوم انسانی - پرداخت. روش‌شناسی یعنی نظام و قوانین مطالعه در هر یک از شاخه‌های علم. هر حوزه متدولوژی خاص خود را دارد که آن را از علوم دیگر جدا می‌کند؛ البته متدولوژی جامع هم داریم که در مورد تمام رشته‌ها مصداق تام دارد و بخشی از فلسفه‌ی علم به‌شمار می‌آید. حال بینیم ما از چه روش‌شناسی‌ای در نگارش این کتاب پیروی کرده‌ایم؟ چنان‌که ملاحظه خواهید کرد، در نگارش اثر حاضر از چند رشته‌ی علوم انسانی به صورت آمینی بهره گرفته‌ایم، و این پژوهش با یک رویکرد میان‌رشته‌ای (interdisciplinary approach) انجام شده است؛ بهره‌گیری از دستاوردهای علوم مختلف مانند تاریخ تکوینی، قوم‌شناسی، مردم‌شناسی و بویژه زبان‌شناسی تطبیقی که در چنین پژوهش‌هایی بایسته و ضروری است، زیرا برای بررسی پیشینه‌ی تاریخی اقوام محروم از سنت‌های دیرینه‌ی ادبی و تاریخ‌نگاری کهن که از طرفی در منابع باستانی نیز سخنی از آنها در میان نیست، تنها راه

دستیابی به داده‌های عینی توسل به رشته‌های مذکور است. در چنین مواردی مهم‌ترین منبع تاریخی همانا زبان قوم مورد مطالعه است و فقط و فقط به وسیله‌ی کالبدشکافی زبان می‌توان به زوایای پنهان تاریخی چنین قومی پی برد. در این راستا البته استفاده از رشته‌های جانبی دیگر مانند مردم‌شناسی تاریخی، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی نیز ضروری است. خلاصه‌ی سخن آنکه کتاب حاضر بر پایه‌ی متدولوژی مطالعات تاریخی و مردم‌شناسی و با تکیه بر زبان‌شناسی تطبیقی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کنم که در درک و ارزشیابی آثار منتشرشده در حوزه‌ی «کردشناسی» اهمیت شایان توجهی دارد. چنان‌که در مقدمه‌ی کتاب خواهید خواند، مطالعات کردشناسی به مثابه‌ی یکی از رشته‌های ایران‌شناسی و شرق‌شناسی اصولاً همیشه با فرازونشیب‌ها و نابسامانی‌هایی توأم بوده و سیر تکاملی ناهنجاری را سپری کرده است. این مسئله بیش از هر چیز به کمبود آثار بنیادین آکادمیک در این زمینه و درعوض فراوانی کتاب‌های غیرعلمی، انشاگونه و تفننی بازمی‌گردد.

در این میان لازم است توضیح دهم که تفاوت میان یک نوشتار آکادمیک و یک انشای سطحی در چه چیزهایی است و چگونه و به وسیله‌ی چه معیارهایی می‌توانیم با اطمینان بگوییم که مثلاً این کتاب علمی است ولی فلان کتاب عاری از ارزش است؟ البته به دور از هرگونه حب و بغض نسبت به مؤلفان و نتیجه‌گیری‌های آنها! بدیهی است که شاخص اصلی ارزش‌گذاری یک اثر همانا تدوین آن بر اساس روش‌شناسی علمی است. یک پزشک، مهندس یا یک فیزیکدان ممکن است در رشته‌ی خود به دستاوردهای شایان توجهی رسیده باشد، ولی چون از متدولوژی مطالعات تاریخی و فرهنگی سر رشته‌ای ندارد نمی‌تواند در رشته‌های مذکور یک اثر علمی از خود به‌جاگذارد. مطمئن باشید آثار چنین کسانی چیزی بیش از انشانویسی نخواهد

بود. حال دیگر تکلیف کسانی که حتی تحصیلات عالی ندارند، ولی در زندگی خویش چندین جلد قطور در حوزه‌ای دشوار و حساس مانند کردشناسی چاپ کرده‌اند، روشن است و نیاز به توضیح ندارد.

روش‌شناسی تنها به معنای آشنایی با قوانین و اسلوب نگارش یا رویکرد عینی ویژه به موضوع‌های مورد بررسی نیست: یکی از بخش‌های مهم روش‌شناسی تسلط بر «فرازبان» (metalanguage) است. این اصطلاح که از زبان‌شناسی آمده، بیانگر نظامی است که شیوه استدلال، سبک انشاء، عبارات و قالب‌های خاص، مفاهیم و پنداره‌های خاص رشته‌ی معینی از علوم را دربرمی‌گیرد. فرازبان یک حوزه‌ی علمی سیستم قوانین و اصول منطقی است که در درون آن حوزه شکل گرفته یا از بطن آن استخراج شده است. این سیستم مجموعه‌ای از روابط علت و معلولی را تشکیل می‌دهد که باز آن هم ریشه در منطق علم مذکور دارد. البته چنین نظامی جز بر پایه‌ی اطلاعات عمیق و موثق از رشته‌ی مورد مطالعه نمی‌تواند بنا گردد و ده‌ها سال کوشش و دانش‌اندوزی می‌طلبد. کردشناسی هم فرازبان خود را دارد، چنان‌چه سیوندشناسی، بلوچ‌شناسی، تالش‌شناسی، گیلان‌شناسی، تات‌شناسی و ... از فرازبان‌های ویژه‌ی خود برخوردارند که بر پایه‌ی فرازبان جامع ایران‌شناسی بنا شده است.

به‌غیراز موارد فوق‌الذکر، آگاهی از فرازبان بدون دانستن درست و دقیق ترمینولوژی رشته‌ی مذکور امکان‌پذیر نیست. ستون فقرات فرازبان هر رشته‌ی علمی را اصطلاحات آن رشته تشکیل می‌دهند. به‌همین سبب برای متخصص یک حوزه‌ی علمی داوری درباره‌ی علمی یا غیرعلمی بودن یک اثر و ارزشیابی آن کار دشواری نیست و در نگاه نخست می‌توان تشخیص داد که نگارنده‌ی اثر در این حوزه متخصص است یا صرفاً متفنن؟ اسلوب نگارش، استفاده‌ی بجا از اصطلاحات، نتیجه‌گیری بر اساس روابط علت و معلولی و سرانجام شیوه‌ی

ارجاع‌دهی، در یک نگاه ماهیت آن اثر را می‌رسانند و نشان می‌دهند که آیا علمی است یا شبه‌علمی.

حال ممکن است این پرسش پیش آید که آیا باید تمامی آثار این‌گونه مؤلفین (متفنین) را به کل نادیده گرفت و به آنها توجهی نکرد؟ چه از طرفی بسیاری از این مردم عمری را بر سر تألیف چنین آثاری گذاشته‌اند. پاسخ نگارنده به این پرسش محتمل منفی است. از آنجا که گفته‌اند هیچ کتابی نیست که به یک بار خواندن نیرزد، در این دست کتاب‌ها هم در برخی از موارد گوهرهایی نهفته است که مؤلف بدون آنکه از اصول زبان‌شناسی، تاریخ‌نگاری یا مردم‌شناسی آگاهی داشته باشد، به صورت ناخودآگاه و در بعضی موارد کاملاً تصادفی پیدا کرده و در نوشتار خود آورده است. توجه کنید که در اینجا سخن از داده‌های خام است نه تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری. به عبارت دیگر، آثار متفنین برای دستیابی به داده‌های خام بسیار شایان توجه هستند. خلاصه‌ی کلام آنکه درعین حال که باید به چنین تألیفاتی با رویکرد انتقادی نگریست، هیچ‌گاه نباید آنها را خالی از ارزش شمرد.

اصولاً یکی از ویژگی‌های این دلبستانان کتابت و ادب، عشق بیکران آنها به زادگاه خویش است که بسیار ستودنی است و چنین کسانی را در همه‌ی فرهنگ‌ها و همه‌ی کشورها می‌توان سراغ کرد. در ایران هم من بسیاری از این‌گونه ادیبان را می‌شناسم از گیلان و مازندران و آذربایجان گرفته تا یزد و اصفهان و خراسان و سمنان و خوزستان. کسانی که زادگاه خویش را از همه برتر می‌دانند و به پشتوانه‌ی تاریخی و فرهنگی آن می‌بالند. اینها سرزمین مادری خود را مهد تمدن ایران می‌دانند و سعی می‌کنند ریشه‌ی زبانشان را در *اوستا* و فارسی باستان بیابند. این عشق بیکران به سرزمین اجدادی به‌راستی

تحسین برانگیز است. چه‌بسا داده‌های باارزشی که ایران‌شناسان در تألیفات این عزیزان یافته‌اند، زیرا برای یک فرد مسلط به فرازان، تمییز سره از ناسره و تشخیص لعل از خرف کار صعبی نیست. تا این اندازه آماتوریسیم، با اینکه یک پدیده شبه‌علمی است، حتی در مواردی، چنان‌که دیدیم مفید و ثمربخش نیز هست. اما زمانی که این عشق به زادگاه ابعاد سیاسی و گرایش‌های جانبدارانه به‌خودمی‌گیرد و وارد محیط آکادمیک می‌شود و علاوه‌براین، به ترویج ارزش‌ها و رویکردهای مشکوک خود می‌پردازد و حتی تحمیل می‌نماید، مبدل به یک فاکتور مخرب و مضر می‌گردد که قادر است نظام یک حوزه‌ی علمی را کاملاً متزلزل کرده و دچار فروپاشی کند.

طرح این مسئله را در پیش‌گفتار حاضر ضروری دانستم، زیرا چنان‌که در نخستین پاورقی این کتاب خواهید خواند کردشناسی یکی از سیاست‌زده‌ترین شاخه‌های ایران‌شناسی است که نقش متفنین بومی در آن بسیار چشمگیر است. انشانویسی در این رشته چنان موجب به‌وجود آمدن هرج‌ومرج شده که در بعضی از موارد حتی راه پیشرفت این حوزه‌ی مهم از ایران‌شناسی را سد کرده است. درحالی‌که در رشته‌های دیگر ایران‌شناسی، فعالیت‌های آکادمیک و کندوکاوها و جست‌وجوهای ذوقی و تفنی کاملاً از هم مجزا هستند و هرگز مزاحم یکدیگر نمی‌شوند. نتایجی که من در این کتاب به آن رسیده‌ام ممکن است برای برخی - قبل از همه متفنین - غیرمنتظره باشد، ولی باید بدانید هرچه در بطن این اثر نهفته است بر اساس داده‌ها و پارامترهای علمی و بر پایه‌ی روش‌شناسی دقیق تشریح شده است.

من امیدوارم اسلوبی که در نگارش این کتاب رعایت شده و رویکردی که من به مسائل کرد و کردشناسی داشته‌ام الگویی برای پژوهشگران جوان این

حوزه قرار گیرد و سعی کنند تنها با تکیه بر اصول استوار آکادمیک، به دور از هرگونه گرایش سیاسی یا قومی و جانبدارانه، به پژوهش درباب مسائل گوناگون کردشناسی بپردازند. هرچه در این کتاب آمده از سر مهر و علاقه به مردم شریف کردستان - که جزء لاینفک ایران بوده و از فرهنگ غنی بسیار کهنی برخوردار است - به رشته‌ی تحریر درآمده است.

حال بپردازیم به برخی پنداره‌هایی که برای فهم مطالب این کتاب جنبه‌ی کلیدی دارند. پیش از هرچیز باید دید منظور از «قوم» و «نژاد» چیست؟ به بیان استعاری می‌توانیم بگوییم که قوم یا نژاد، شاخه‌ای از یک خانواده‌ی بزرگ است که از والدین جدا شده و در محیط جغرافیایی دیگری سکنی گزیده است؛ زبان این شاخه در طول زمان طبق قوانین زبان‌شناختی متحول می‌شود، مردم نیز بسته به محیط و موقعیت جغرافیایی شاخص‌های علی‌حده‌ای به‌دست‌می‌آورند ولی ویژگی‌هایی که مانند بند ناف آنها را به مادر متصل کرده هرگز گسسته نمی‌شود.

پیش از استیلای اعراب بر ایران، مردم این سرزمین به دو نژاد بزرگ ایرانی - که با یکدیگر رابطه‌ی تکوینی داشتند و زبان هم را می‌فهمیدند - تقسیم می‌شدند که در اینجا می‌توانیم به طور شرطی آنها را «پارس» و «ماد» بنامیم و «پارت‌ها» را نیز به طور شرطی در گروه ماد بگنجانیم. ظاهراً این دو گروه بزرگ در آن زمان تقریباً در یکدیگر ادغام شده بودند و به عنوان یک پدیده‌ی نژادی واحد تلقی می‌شدند. نژادهای امروزی ایران - چه کرد، چه لر و چه بلوچ و آذری (ترک‌زبان شدن این گروه در چند سده‌ی اخیر اتفاق افتاده و جنبه‌ی ثانوی دارد؛ زبان اصلی و کهن آذری‌ها گویش‌های اصیل ایرانی بوده

۱. شایان ذکر است که در این کتاب از واژه‌ی «نژاد» همان معنی «قوم» اراده شده است، واژه‌ی نژاد در فارسی همواره معنی «تبار» و «اصل و نسب» داشته و به معنی قوم بیشتر نزدیک است تا به race.